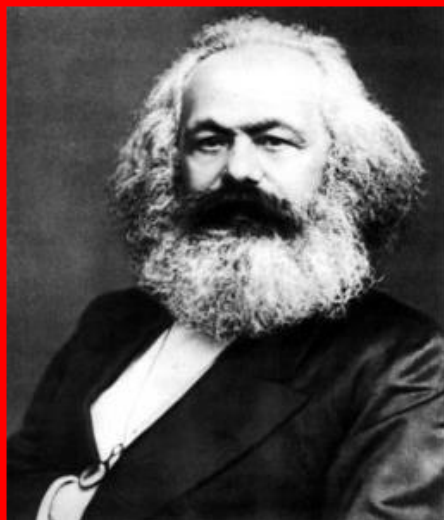


مباحثه ای با جریان کمونیست بین المللی:

معذورات انتشاراتی انقلابی



در دفاع از مارکسیسم

صدای انترناسیونالیستی

بحث و مناظره برای انترناسیونالیست‌ها حیاتی، ضروری و لازم است. جنبش انقلابی نمی‌تواند قدم‌های موثری بر دارد مگر اینکه انترناسیونالیست‌ها نقشی پویا و دینامیک در تکامل این جنبش داشته باشند. این تنها از طریق جدل و مباحثه از دیدگاه‌های متفاوت درون فضای سیاسی پرولتاری امکان پذیر است.

آدرس سایت و ایمیل صدای انترناسیونالیستی به قرار زیر است:

Homepage:

www.internationalistvoice.org

Email:

contact@internationalistvoice.org

تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت!

فهرست مطالب:

مقدمه	۴
باز هم فرهنگ مباحثه	۶
تعهد ایدئولوژیک	۸
تنزل دادن نقش خود تا سطح انتشاراتی انقلابی	۸
معذورات انتشاراتی انقلابی	۱۲
وارونه کردن مواضع صدای انترناسیونالیستی	۱۴
خود-مدیریتی یعنی تداوم بردگی مزدی	۱۸
شوراهای کارگری	۲۲
مبارزه مستقل کارگری	۲۹
یادداشتها:	۳۵
خطوط اصلی مواضع:	۳۷

"فیلسوفان جهان را به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرده‌اند، مهم اما دگرگون کردن آن است." مارکس

مقدمه

در رابطه با اعتراضات کارگری در ایران که در روند تکاملی خود در پائیز ۱۳۹۷ در مقطعی از حالت تدافعی خارج شد و شکل تهاجمی بخود گرفت صدای انترناسیونالیستی در ۹ دی ۱۳۹۷ جزوه ای منتشر کرد تحت عنوان «درس‌هایی از اعتصابات و مبارزات کارگری و وظایف انترناسیونالیستی» که نوعی بیان از این مبارزات بود.

در پاسخ به نوشته دیگری از صدای انترناسیونالیستی تحت عنوان «تداوم اعتراضات خیابانی در بربریت سرمایه داری - تنها آلترناتیو مبارزه طبقاتی» که نقدی به موضعگیری جریان کمونیست بین‌المللی در رابطه با اعتراضات خیابانی مردمی در کشورهای ایران، عراق و اردن بود، جریان کمونیست بین‌المللی نوشته ای منتشر کرد تحت عنوان «صدای انترناسیونالیستی و اعتراضات در خاورمیانه». صدای انترناسیونالیستی طی جزوه ای تحت عنوان «مباحثه ای با جریان کمونیست بین‌المللی: طبقه کارگر یا توده‌ها؟» پاسخ جریان کمونیست بین‌المللی را داد.

پس از انتشار این جزوه، جریان کمونیست بین‌المللی بتاريخ ۱ ژوئن ۲۰۱۹ نوشته ای منتشر کرد تحت عنوان «پاسخی به صدای انترناسیونالیستی درباره اعتصابات در ایران» [۱] که نوشته تاریخ ۴ آوریل را به خود دارد. نکته حائز اهمیت این است که در

جمع‌بندی ما از مبارزات کارگری و در جزوه ای که به شکل بیان منتشر کردیم، کوچکترین اشاره ای به جریان کمونیست بین‌المللی نشده است که جریان کمونیست بین‌المللی جواب صدای انترناسیونالیستی را بدهد. نوشته جریان کمونیست بین‌المللی نقدی به جزوه صدای انترناسیونالیستی نیز نیست. آیا اصولاً به یک نوشته یا جزوه در رابطه با اعتراضات کارگری نقد می‌نویسند یا پاسخ؟ پس نوشته (پاسخ) جریان کمونیست بین‌المللی بیانگر چه چیزی است؟

پس از نقد ما به جریان کمونیست بین‌المللی که جریان کمونیست بین‌المللی فقط اخبار و مباحث مبارزه طبقاتی را بایکوت نمی‌کرد بلکه از خود مبارزه طبقاتی چشم‌پوشی کرد. جریان کمونیست بین‌المللی با عجله نوشته ای منتشر کرد تا بگوید چنین بایکوتی در جریان نبوده است. اما خود نوشته جریان کمونیست بین‌المللی حقایق مواضع صدای انترناسیونالیستی را بخوبی بیان می‌کند.

در این نوشته بررسی خواهیم کرد که اولاً چگونه جریان کمونیست بین‌المللی در جریان مبارزه طبقاتی برای خودش نقش پیشقراول را قائل نیست و ثانیاً در عمل ابتدا نقش خودش را تا سطح یک انتشاراتی انقلابی تنزل می‌دهد و ثالثاً معذوراتی مطرح می‌سازد که چرا قادر نبود حتی نقش انتشاراتی انقلابی را نیز ایفا کند.

این نوشته جریان کمونیست بین‌المللی تنها مصرف‌درونی دارد، این نوشته به اعضا و هواداران جریان کمونیست بین‌المللی نوشته شده است، می‌خواهد به اعضا و هواداران خود بگوید، جواب صدای انترناسیونالیستی را داده است. ترجمه فارسی نوشته در

اختیار جریان کمونیست بین المللی است، چرا جریان کمونیست بین المللی نوشته را به زبان فارسی در سایت خود منتشر نمی کند؟ جریان کمونیست بین المللی آگاهانه می خواهد، تعداد کمی از مضمون نوشته او آگاهی داشته باشند، چرا که مضمون نوشته برای کسانی که به تحولات منطقه آشنائی دارند، موضع مغشوش جریان کمونیست بین المللی را بوضوح نشان می دهد. ما مجدداً به این مسئله در صفحات بعدی خواهیم گشت.

باز هم فرهنگ مباحثه

ما در نوشته قبلی در رابطه با فرهنگ مباحثه صحبت کردیم. حتی به مقالاتی از جریان کمونیست بین المللی در این رابطه ارجاع دادیم. توضیح دادیم فرهنگ مباحثه به شفافیت فضای سیاسی پرولتری کمک میکند. ظاهراً آن همه مباحث ما، حداقل در این زمینه برای جریان کمونیست بین المللی بی تاثیر بوده است.

ما تاکید کردیم کمونیسم چپ برای ما فقط تعدادی "مواضع سیاسی" نیست بلکه اصول و ارزشهای پرولتری نیز هست. در راستای پایبندی به اصول و ارزشهای پرولتری است که مباحث را قبل از انتشار علنی آنها در اختیار جریان مربوطه قرار می دهیم. اعلام کردیم، در راستای شفافیت فضای سیاسی پرولتری، پاسخی که به مباحثاتمان داده می شود، به زبان هائی که امکان آن را داریم، خودمان ترجمه می کنیم و نقد به خودمان را در دسترس عموم قرار می دهیم.

سوال اساسی این است، فرهنگ مباحثه و اخلاق کمونیستی جریان کمونیست بین المللی گوش انسان را کر می کند، چرا جریان کمونیست بین المللی قادر نیست حتی در یک نوشته کوتاه نیز به اصل متن وفادار باشد؟ چرا جریان کمونیست بین المللی به وارونه جلوه دادن مواضع صدای انترناسیونالیستی ادامه میدهد؟

احتمالاً رفقا تصور میکنند، چون این مطالب از "مرکز" سرمایه منتشر نمی شوند، لذا از اهمیت کمتری برخوردار هستند و رفقا می توانند به میل خود آنها را تغییر دهند، تفسیر کنند و یا وارونه جلوه دهند. سوالی که مطرح میشود این است، آیا اگر مطالب را از خیابان «شانزه لیزه» و یا «آکسفورد» برایشان ارسال کنیم کافی است تا فرهنگ مباحثه در رابطه با صدای انترناسیونالیستی نیز رعایت شود یا حتما باید مهر اداره پست «میدان رابین» از ایالت پنجاه و یکم آمریکا را داشته باشد تا مشمول فرهنگ مباحثه شود و مطالب ما در سطح مطالب "مرکز" ارزشیابی شود؟

سواى از اینکه چنین عملکردهائی نباید در بین کمونیستها رواج داشته باشد، میتواند چنین القاء کند که جریان کمونیست بین المللی با تمامی متون منتقدین خود چنین برخورد میکند. فرهنگ مباحثه سواى از اینکه به شفافیت فضای سیاسی پرولتری کمک میکند بیانگر دفاع از ارزشها و اهداف پرولتری نیز هست. بیانگر فرق فرهنگ میان سیاستمداران و انقلابیون نیز هست.

تعهد ایدئولوژیک

هر دو نوشته ای که جریان کمونیست بین المللی در "پاسخ" صدای انترناسیونالیستی نوشته است، نوشته ای ایدئولوژیک هستند و فاقد نگرش دیالکتیکی هستند. برای جریان کمونیست بین المللی درستی موضعی که باید نشان داده شود، از پیش مشخص است، فقط باید تلاش کرد، درستی آنرا نشان داد. درست مثل یک "مومن" که با خلوص تمام، سعی و تلاش میکند تا حقانیت ایدئولوژی مقدس خود را ثابت کند.

بر خلاف نگرش ایدئولوژیک، در نگرش دیالکتیکی با تجزیه و تحلیل حوادث اجتماعی و با اسلوب دیالکتیکی نتیجه گیری حاصل می شود. نتیجه گیری تلاش، تجزیه و تحلیل حوادث اجتماعی شاید عکس تصور اولیه را نشان دهد و یا اینکه درستی تصور اولیه را نشان دهد و تصور اولیه به حقانیت تبدیل شود و یا اینکه اصلا نتیجه گیری دیگری حاصل شود.

از بحث تجریدی در این زمینه فعلا پرهیز می کنیم ولی در مباحث آینده آنرا دنبال خواهیم کرد. در این نوشته نگرش ایدئولوژیک جریان کمونیست بین المللی را در صفحات بعدی و در رابطه با حوادث اجتماعی نشان خواهیم داد.

تنزل دادن نقش خود تا سطح انتشاراتی انقلابی

جریان کمونیست بین المللی در جریان اعتراضات کارگری پائیز ۱۳۹۷ نه تنها نقش پیشقراول را ایفا نکرد بلکه سکوت مطلق

کرد و بدتر از آن به بایکوت اخبار و گزارشات همین اعتراضات کارگری پرداخت. شاید چنین عذری مطرح شود که جریان کمونیست بین المللی بخاطر محدودیت های زبانی از این اعتراضات کارگری بی خبر بود، اما جریان کمونیست بین المللی تائید میکند که تبلیغات گسترده ای در سطح بین المللی در مورد این اعتراضات بوده است و چنین می نویسد:

"در مورد شورای کارگری نیشکر هفت تپه ملاحظات مشابهی داریم که تبلیغات سیاسی بسیاری در سطح بین المللی کسب کرده است" [۲]

جریان کمونیست بین المللی در جریان اعتراضات مردمی خیابانی در کشورهای ایران، عراق و اردن، که تبلیغات سیاسی بسیار وسیعی نیز کسب نکرده بود، حداقل ۴ مطلب منتشر کرد، مطالب را حتی به زبانهای دیگر منتشر کرد و تمام تلاش خود را کرد تا وانمود کند که این اعتراضات مردمی تجسم مبارزه طبقاتی بودند. در رابطه با اعتراضات مردمی و خیابانی حتی اعلام کرد که این رزمندگی طبقه یک نقطه شروع مهم و مثال برای کارگران در همه جا است، لطفا این همه جا را بخاطر بسپارید و نوشت:

"اما حتی با توجه به ظرفیت امپریالیستی خاورمیانه و یا بخشی بخاطر آن، رزمندگی طبقه یک نقطه شروع مهم و مثال برای کارگران در همه جا است." [۳][تاکید از ما]

سوال اساسی این است نقش پیشقراول انقلابی در جریان اعتراضات کارگری چیست؟ آیا پیشقراول انقلابی نباید نقش قطب نما را در این حوادث ایفا کند؟ آیا پیشقراول انقلابی نباید مسیر را بر توده های طبقه کارگر نشان دهد؟ فرق پیشقراول انقلابی با توده های طبقه کارگر چیست؟ آیا وظیفه پیشقراول انقلابی دفاع از برنامه کمونیستی تحت هر شرایطی نیست؟

۶ ماه پس از شکست این اعتراضات کارگری، ۶ ماه پس از سرکوب شکوهمندترین اعتراض کارگری در خاورمیانه، حدود ۶ ما پس از انتشار جزوه صدای انترناسیونالیستی در رابطه با این اعتراضات کارگری، تازه جریان کمونیست بین المللی آن هم در پاسخ به صدای انترناسیونالیستی اعلام میدارد که "چند پرسش در مورد مبارزه طبقاتی" دارد [۴]!

آیا خود جریان کمونیست بین المللی بعنوان پیشقراول نباید به این پرسشها در رابطه با مبارزه طبقاتی جواب دهد؟ در نگرش ساده لوحانه، شاید چنین وانمود شود که احتمالاً جریان کمونیست بین المللی اظهار نظر خود مبنی بر «تبلیغات سیاسی بسیاری در سطح بین المللی» را فراموش کرده و اخیراً شنیده است، در جائی خبرهائی است و بعنوان ناظر تازه وارد میخواید بدانند چه خبرهائی است و می نویسد:

"ما سوال هایی در باره تجزیه و تحلیل صدای انترناسیونالیستی از برخی عناصر مهم مبارزه طبقاتی در ایران مطرح می کنیم." [۵]

قطعا صدای انترناسیونالیستی باید به سوالات شما پاسخ دهد و ما به همه سوالات شما پاسخ خواهیم داد، چرا که بخشی از وظیفه ماست. اگر جریان کمونیست بین المللی در جریان مبارزات کارگری سوالی برایش پیش آمده بود، چرا سوال خودش را رو به بیرون مطرح نکرد؟ چرا اصلا سواش را برای ما ارسال نکرد؟ اما پیش از ادامه بحث، سوال اساسی که مطرح میشود این است، تجزیه و تحلیل خود جریان کمونیست بین المللی از عناصر مهم مبارزه طبقاتی چیست؟ چرا جریان کمونیست بین المللی میتواند جنبش های مردمی را "تجزیه و تحلیل" کند و آنها را تجلی مبارزه طبقاتی جا بزند و سوالی هایی نیز برایش در این زمینه مطرح نمی شود و حتی آنها را به زبانهای دیگر منتشر کند، اما قادر به تجزیه و تحلیل مبارزه طبقاتی نیست؟ ما همچنان سوال می کنیم؟

اینجاست که درک جریان کمونیست بین المللی از نقش و وظایف سازمان انقلابی نه در لابلا صفحات نشریات، نه در جلسات تبلیغی، نه در تئوری بلکه در پراکتیک، در واقعیت، در مبارزه جاری طبقه کارگر، جایی که تئوری ها باید محک زده شود، خود را بوضوح نشان میدهد. در دنیای واقعی و زمینی، جریان کمونیست بین المللی نقشی فعال برای خود، برای دخالت در مبارزه طبقاتی قائل نمی شود.

دفاع از مفهوم مارکسیستی شوراهای کارگری، دفاع از برنامه کمونیستی در مقابل جناح چپ سرمایه، تلاش در راستای جهت دادن به اعتراضات کارگری و هشدار دادن در رابطه با خطراتی که از جانب جناح راست و چپ سرمایه میتواند این اعتراضات را از

مسیر خود منحرف کند را جریان کمونیست بین المللی جزو وظایف خود نمیداند. کدام پیشقروال جلوی قتل عام پرولتاریا را گرفت زمانی که بورژوازی روسیه سعی کرد در ژوئیه ۱۹۱۷ قیام زودرسی را به پرولتاریا تحمیل کند؟ کدام پیشقروال بود که از برنامه کمونیستی دفاع کرد و نخواست دنباله رو توده ها باشد و حتی لنین مجبور شد موقتا از شعار «تمام قدرت بدست شوراهها» عقب نشینی کند؟ در سایه تلاش خستگی ناپذیر کدام پیشقروال بود که شوراها که زمانی به مرکز تجمع نمایندگان ضد انقلاب و سازشکار تبدیل شده بودند، مجددا نمایندگان پیشرو و مبارز جایگزین نمایندگان ضد انقلابی شدند؟ بدون اینها که بلشویکها شایسته آن نام پرافتخار نبودند.

در عمل و در جریان مبارزات کارگری، زمانی که واقعا به نقش فعال انترناسیونالیستها نیاز بود، جریان کمونیست بین المللی چنین وظیفه و نقشی برای خود قائل نشد و وظیفه خود را تا سطح یک انتشاراتی انقلابی تنزل میدهد. عذرهای غیر موجه برای خود پیدا کرد و حتی نتوانست این نقش را نیز ایفا کند.

معذورات انتشاراتی انقلابی

ما بررسی کردیم که جریان کمونیست بین المللی عملا نقش خود را از پیشقروال انقلابی تا سطح انتشاراتی انقلابی تنزل میدهد. سوال جدیدی که مطرح میشود این است، چرا همان انتشاراتی

انقلابی نتوانست وظایف خود را حداقل در سطح انتشاراتی نیز انجام دهد؟

انتشاراتی انقلابی اعلام میدارد از انتشار اخبار و گزارشات مبارزه طبقاتی معذور بوده است، چرا که چندین پرسش در این زمینه برای انتشاراتی مطرح شده بود و تا اخذ پاسخ مناسب قادر نبود اخبار و گزارشات مبارزه طبقاتی را انتشار دهد و می نویسد:

"چند پرسش در مورد مبارزه طبقاتی" [۶]

ما در صفحات بعدی نشان خواهیم داد که معذورات انتشاراتی انقلابی نیز بی پایه است. انتشاراتی انقلابی علیرغم تبلیغات گسترده در مورد مبارزات کارگری که خود اظهار میدارد، اخبار و گزارش آنرا بایکوت کرد. اگر تبلیغات انتشاراتی را کنار بگذاریم، برای این انتشاراتی تکامل مبارزه طبقاتی از حالت تدافعی به حالت تهاجمی هر چند مقطعی و در سرمایه پیرامونی و در شرایط کنونی امکان پذیر نیست. طبقه کارگر در سرمایه پیرامونی باید منتظر ارتقاء مبارزه طبقه کارگر نه در سرمایه متروپل بلکه "مرکز" بماند تا بعداً طبقه کارگر "مرکز" مسیر و اهداف مبارزه را برای طبقه کارگر سرمایه پیرامونی نشان دهد. تا آن موقع طبقه کارگر سرمایه پیرامونی باید بعنوان کارگران و نه بعنوان طبقه اجتماعی در مبارزات مردمی شرکت کنند، تا آن مبارزات را رادیکال کنند. با شرکت کارگران در مبارزات مردمی، مبارزات مردمی، ماهیت پرولتری پیدا میکنند.

وارونه کردن مواضع صدای انترناسیونالیستی

جریان کمونیست بین المللی با چنین شکلی از نگارش و "جواب دادن"، ظاهراً خوانندگان خود را نیز دست کم میگیرد. اگر یک محصل در همان "مرکز" که جریان کمونیست بین المللی علاقه وافری به واژه مرکز دارد، این نوشته را بعنوان یک مقاله تحویل معلم خود میداد، قطعاً مقاله پس داده میشد. با کنار هم قرار دادن کلمات نامربوط و بدون ارجاع به متن، و با تفسیر مواضع خود، نمیتوان نقد کرد. قبل از ادامه بحث به بخشی از نوشته جریان کمونیست بین المللی نگاهی میندازیم:

"با این حال، ما سوال‌هایی در باره تجزیه و تحلیل صدای انترناسیونالیستی از برخی عناصر مهم مبارزه طبقاتی در ایران مطرح می‌کنیم. در میان فهرست بلند بالای، درگیر شدن کارگران در تشدید اعتصابات، معلمان، کامیون‌داران، کارگران فولاد، معدنچیان و غیره، کارگران اتوبوس‌رانی و سندیکای کارگری‌شان هستند که صدای انترناسیونالیستی آن را به عنوان تشکیلات مستقل کارگری ارزیابی می‌کند ("با تمام فراز و نشیب شان"). شکی نیست که اعضای آن درگیر مبارزه برای شرایط بهتر، برای آزادی کارگران دستگیر شده و بر علیه سرکوب هستند، اما مواضع "نیمه قانونی" آن را یک نیرویی مستقل و پویا برای مبارزه نمی‌کند و این چیزی است که ما فکر می‌کنیم مهم است، درباره

این موضوع روشن باشیم. این سندیکا برای چندین سال وجود داشته است، که در اصل منشا آن از خودسازماندهی و مجامع طبقاتی بوده است، اما موضع مغشوش آن به عنوان یک اتحادیه کارآمد، درها را به سوی چنین گیج سازی‌هایی همچون سازمان بین المللی کار باز می کند. نمایندگان آن "ملاقات ارزشمند" با مقامات سازمان بین المللی کار در سال ۲۰۱۸ در پاریس داشته اند (آنها مجوز ترک ایران را داشتند) که توسط اتحادیه های کارگری فرانسوی، CGT و CDFT پیش رفته بود "با توجه به دیدار با خواسته های طبقه ای در ایران". هیچ کدام از اینها اشاره ای به یک سازمان مستقل، و سازمانی خودگردان کارگری شکلی برای مبارزه نیست. چیزی که به نظر می رسد در اینجا یک داستان آشنا است - چیزی که یک بار کمیته کارگری یا بقایای آن بود، که نمیتواند راه پیش رو را ببیند و در چارچوب اتحادیه نیمه قانونی به دام افتاده است." [۷]

اولا در زمان این حوادث چرا شما بعنوان پیشقراول به نقد و بررسی این مسائل نپرداختید و از برنامه کمونیستی دفاع نکردید و به جایش به انتخابات آینده اسرائیل پرداختید و اخبار و گزارشات این مبارزات پرشکوه را بایکوت هم کردید؟

ثانیا، ما کارگران اتوبوس رانی و سندیکای کارگری شان را در کنار اعتصابات، معلمان، کامیون داران، کارگران فولاد، معدنچیان و غیره قرار ندادیم. این دیگر از فرهنگ مباحثه جریان کمونیست

بین المللی است که برای فرار از پاسخگویی در رابطه "عدم انجام وظیفه" به مغشوش کردن بحث می پردازد تا نگاهها را از مسئله اصلی "بایکوت کردن مبارزه طبقاتی" توسط جریان کمونیست بین المللی منحرف کند. چرا به چیزی که ادعا می کنید، ارجاع نمی دهید؟

ثالثاً بخشی از نقل قول بالا بازنویسی غیر مسئولانه، نقد ما به اتحادیه های کارگری و اینکه اتحادیه های کارگری در عصر انحطاط سرمایه در دولت سرمایه ادغام شده اند و بخشی از دولت سرمایه هستند و چسباندن آن به بخشی از بررسی "تجربه شرکت واحد" است.

ربعا از مبحث "تجربه شرکت واحد" که حدود ۱۲۳۷ کلمه است تنها یک کلمه، یعنی کلمه «مستقل» را که فقط یک بار تکرار شده برداشته و شروع به وارونه جلوه دادن مواضع صدای انترناسیونالیستی کرده است. ما مبحث "تجربه شرکت واحد" را چنین شروع کردیم:

"به باور ما سندیکای شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نه سندیکا به مفهوم رایج آن بلکه نوعی تشکل مستقل کارگری هستند که با افت و خیزهائی همراه بوده اند." [۸]

در ادامه نوشتیم:

"در سال ۱۳۳۹ علی‌رغم مخالفت هیات مدیره سندیکای کارگران نخستین اعتصاب کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی را سازمان دادند که دانشجویان به حمایت از آن پرداختند... سندیکای شرکت واحد نه یک سندیکای کارگری بلکه یک تشکل کارگری با همه افت و خیز هایش بوده است. از مجمع عمومی آن بیش از ۱۳ سال می‌گذرد، نه توده کارگران عضو آن هستند و نه می‌تواند عملکرد یک سندیکا را داشته باشد، بیشتر شبیه یک کمیته کارگری است." [۹]

نوشتیم بیشتر شبیه یک کمیته کارگری است ولی جریان کمونیست بین المللی با توسل به فرهنگ مباحثه آنرا نمی بیند. سپس ادامه دادیم که برای همیشه نمی تواند به این شکل به فعالیت خود ادامه دهد یا باید در راستای قانونی شدن تلاش کند و در دولت سرمایه ادغام شود و یا این چشم انداز را کنار بگذارد و بعنوان یک تشکل مستقل کارگری برای اهداف کارگری مبارزه کند:

"اما در عصر انحطاط سرمایه داری تنها یک مبارزه طبقاتی وجود دارد. سندیکای شرکت واحد برای همیشه نمی تواند به این شکل به فعالیت خود ادامه دهد. یا باید در راستای قانونی شدن تلاش کند، فعلا که به تقاضایش پاسخ منفی داده اند و یا باید چشم انداز قانونی شدن را کنار بگذارد و بعنوان یک تشکل مستقل کارگری برای اهداف کارگری مبارزه کند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که قانونی شدن به مفهوم این

است که بورژوازی به تمامی عملکرد و فعالیت سندیکا اشراف کامل خواهد داشت، مثل اتحادیه های کارگری در متروپل سرمایه داری." [۱۰]

خامسا چرا جریان کمونیست بین المللی در رابطه نقش و وظیفه ای که «سولیداریتی سنتر» ایفا می کند سکوت مطلق میکند. «سولیداریتی سنتر» که در همان "مرکز" واقع شده و باید برای شما آشنا باشد. ما نظر خودمان را در باره نقشی که «سولیداریتی سنتر» در رابطه با جنبش کارگری در سراسر جهان انجام میدهید، بوضوح توضیح دادیم، آیا بهتر نبود جریان کمونیست بین المللی در کنار ایراد گرفتن به یک کلمه «مستقل»، اشاره کوتاهی نیز به «سولیداریتی سنتر» و وظایفش میکرد؟

خود-مدیریتی یعنی تداوم بردگی مزدی

ظاهرا جریان کمونیست بین المللی قادر نیست چند صفحه در توجیه بایکوت کردن مبارزه طبقاتی بنویسد، به هر چیزی چنگ می اندازد تا چیزی بنویسد اما عذری پیدا نمی کند و این چنین می نویسد:

"در جای دیگر در خود متن، صدای انترناسیونالیستی، مواضع روشن خود را در مورد تله و دامی که خود-مدیریتی برای کارگران ارائه می دهد، بیان می کند و می

گوید "اتوی که به دوران کودکی طبقه کارگر مربوط است" و در حال حاضر به لحاظ اقتصادی و سیاسی مخرب است. اما واقعا باید تحلیل خود را به طور مداوم به وضعیت کنونی بسط دهد. خود-مدیریتی یک مرده خطرناک است، نه فقط به این خاطر که این فرصت را به کارگران می دهد، که استثمار خود را مدیریت کنند، بلکه مهم تر از همه، چون در گذشته در خلال مبارزات گسترده طبقاتی و برای سرکوب کارگران مورد استفاده قرار می گرفته تا کارگران را در کارخانه به دام بی اندازد و مانع خلق شوراهای حقیقی شود - ارگان هایی که می توانند کل طبقه را در میان بخش های از هم جدا شده متحد کنند و "قدرت دوگانه" را علیه دولت سرمایه داری ایجاد کنند. این دقیقا همان نقدی بود که بوردیگا از گروه گرامشی در ایتالیا در سال ۱۹۲۰ بعمل آورده بود، چیزی که نقش هلهله کننده و شادمانی را برای اشغال کنندگان کارخانه‌ای در تورین و سایر مراکز صنعتی ایفا می کرد." [۱۱]

ما در افشای مواضع ارتجاعی و ضد انقلابی چپ سرمایه، چپ سرمایه ای که شما بارها حمایت اش کرده اید به دفاع از مواضع کمونیستی برخاستیم و تاکید کردیم خود مدیریتی یک تله برای کارگران است چنین نوشتیم:

"مدیریت کارخانه، کارگاه و یا محل کار توسط کارگران در حالی که روابط تولیدی همان سرمایه داری است، نوعی اتوپی در دوران طفولیت طبقه کارگر بود. این نگرش بعداً توسط گرایش‌های متفاوت آنارشیست و چپ سرمایه مطرح شده است و چیزی نیست جز توهم پراکنی و گیج‌سازی برای کارگران در راه رسیدن به هویت طبقاتی خود.

به لحاظ اقتصادی، خود مدیریتی، استثمار خود کارگران را سازماندهی میکند و کارگران مسئولیت بازسازی موسسات بحران زده را برای استثمار خود بعهده میگیرند. به هزینه کارگران کارخانجات ورشکسته دوباره رونق می‌گیرند. از آنجائیکه مدیریت کارگری الزاماً نقطه مقابل مدیریت بورژوائی نیست، حتی میتواند با بالا بردن بارآوری کار ارزش اضافی بیشتری را برای سرمایه تولید کند و بعضی مواقع برای سرمایه رضایت بخش‌تر نیز هست.

به لحاظ سیاسی، خود مدیریتی مخرب‌تر از لحاظ اقتصادی است. کارگران را در دیوار تنگ کارخانه محصور و ایزوله می‌نماید، در راستای گسترش مبارزه طبقاتی به دیگر بخش‌ها نیست. کارگران مشغول بازسازی اقتصادی سرمایه داری می‌شوند، در حالی که وظیفه کارگران از بین بردن اقتصاد سرمایه داری است و کارگران را از وظیفه اساسی آنان که همانا نابودی روابط تولیدی سرمایه داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در سطح جهانی است دور می‌سازد. حقیقت انکار ناپذیر این است که پرولتاریا تنها در

سطح جهانی قادر به مدیریت تولید است و آن هم نه در درون روابط تولیدی سرمایه داری بلکه بعد از در هم شکستن روابط تولیدی سرمایه داری.

برخلاف توهم پراکنی های چپ سرمایه، بحران موسسات اقتصادی و یا رکود کارخانه ها نه از «مدیریتی نالایق و فاسد» بلکه ریشه در نظام سرمایه داری دارد. خود سرمایه نیز در راستای انباشت بهتر سرمایه خواهان مدیریت خوب و لایق موسسات اقتصادی است. انزوای اعتراضات و اعتصابات کارگری و محصور شدن آنها در محدوده تنگ یک کارخانه و یا یک محل کار و عقب نشینی طبقه کارگر از هویت طبقاتی خود و در کنار آن دولت پلیسی و سرانجام نقش مخرب چپ سرمایه، از فاکتورهای اساسی در کم نتیجه دادن مبارزات کارگران و یا معضلی در مسیر تکامل مبارزه طبقاتی در ایران بوده است. توهم زدائی از گرایشات راست و چپ سرمایه، تاکید بر مبارزه مستقل پرولتری، گسترش همکاری و ارتباطات با دیگر صنایع و بخش ها، موضوع هویت طبقاتی کارگران را مطرح خواهد کرد که در روند خود، طبقه کارگر را از یک طبقه در خود، به یک طبقه برای خود تبدیل خواهد بود.

امکان تحمل مدیریت کارگری از سوی بورژوازی اسلامی با توجه به شکنندگی اش بسیار کم است، اما امکان ناپذیر نیست. به جای سازماندهی سرمایه در بحران برای

تداوم تولید ارزش اضافه باید سازماندهی به زیر کشیدن سرمایه در بحران را انجام داد." [۱۲]

آیا مواضع ما، مدیریت کارگری را روشن و شفاف توضیح میدهد یا توضیحات جریان کمونیست بین المللی؟

شوراهای کارگری

در جریان شدت یابی مبارزه طبقاتی در پائیز ۱۳۹۷ به جرات میتوان گفت صدای انترناسیونالیستی در انزوای مطلق به دفاع از مفهوم شوراهای کارگری از افق مارکسیستی پرداخت. در بخشی از آن نوشتیم:

"شوراهای کارگری عالی ترین شکل تشکل کارگری هستند. زمانی که مبارزه طبقاتی حاد می شود و دو طبقه اجتماعی همدیگر را به چالش می کشند، نه بورژوازی قادر به ادامه حکومت است و نه پرولتاریا هنوز سرمایه داری را واژگون کرده است، در شرایط تاریخی خاصی یعنی حالتی که جامعه حالت قدرت دوگانه را دارد شوراهای کارگری شکل می گیرند. در چنین شرایطی شوراهای کارگری شکل می گیرند تا کنترل کارخانه ها و محلات را از پائین بدست بگیرند و خودشان را بعنوان آلترناتیو قدرت سرمایه داری معرفی کنند. کارگران همچنین ارگانهای دفاع از شوراهای خود را

نیز تشکیل می‌دهند. شوراهای کارگری نطفه‌های اولیه
دیکتاتوری پرولتاریا هستند." [۱۳]

تاکید کردیم اگر چه شوراهای کارگری عالی‌ترین شکل‌های
کارگری هستند و تمام تلاش انترناسیونالیستها باید در راستای شکل
گیری چنین ارگانهائی باشد ولی همزمان تاکید کردیم چنین
ارگانهائی بر خلاف نگرش شوراهای اگرایانه مقدس نیستند، چنین
ارگانهائی حتی می‌توانند وظایف ضد انقلابی در دستور روز قرار
دهند. نمونه واضح آن شوراهای کارگری در ژوئیه ۱۹۱۷ در
روسیه یا دسامبر ۱۹۱۸ در آلمان است که عالی‌ترین ارگانه‌های
کارگری بودند، در آلمان از حدود ۴۸۰ نماینده تنها ۱۰ نماینده
متعلق به کمونیستها بود. در آلمان روزا لوکزامبورگ و کارل
لیبنکخت اجازه نداشتند در شورا سخنرانی کنند. تنها پس از تلاش
خستگی‌ناپذیر کمونیستها بود که نمایندگان انقلابی جایگزین
نمایندگان ضد انقلابی شدند. شوراهای کارگری در مقطعی چنان در
دست ضد انقلاب بودند که لنین مجبور شد، کوتاه مدت از شعار
اصلی بلشویکها "تمام قدرت بدست شوراها" موقتا عقب نشینی کند.
وظیفه پایه‌ای انترناسیونالیستها دفاع از برنامه کمونیستی تا محو
طبقات اجتماعی است نه اینکه دنباله‌رو طبقه کارگر باشند، حتی
اگر به انزوای بیشتر آنها در تشکلهای کارگری بینجامد.

باور ما این بود که گرایش کمونیست انترناسیونالیست علیرغم
برخورداری از تجربه غنی، نوعی ابهام‌آفرینی در رابطه با
شوراهای کارگری میکند. اما در گرم‌گرم مبارزه طبقاتی، نقد ما

به گرایش کمونیست انترناسیونالیست میتوانست در خدمت تضعیف مبارزه طبقاتی باشد، لذا صبر کردیم بعد از شکست مبارزات کارگری نقد خودمان را برای رفقا منتشر کردیم. [۱۴] جریان کمونیست بین المللی که در آن موقع از یک سو مشغول بایکوت هر نوع خبر و گزارش این مبارزات کارگری بود و از سوی دیگر مشغول کارهای مهم و پر اهمیت در "مرکز"، مثل انتخابات اسرائیل بود، پس از نقد صدای انترناسیونالیستی تلاش کرد برای بی عملی خود عذر موجه بترشد با این حال بیشتر دسته گل به آب داد. جریان کمونیست بین المللی که حتی جزوه صدای انترناسیونالیستی در رابطه با اعتراضات کارگری تحت عنوان «درسهائی از اعتصابات و مبارزات کارگری و وظایف انترناسیونالیستی» را بدقت نخوانده است با گیج سری چنین می نویسد:

"در مورد شورای کارگری نیشکر هفت تپه ملاحظات مشابهی داریم که تبلیغات سیاسی بسیاری در سطح بین المللی کسب کرده است، حتی باعث گمانه زنی در مورد وجود "شوراها" در ایران امروز شد. ما فکر می کنیم تحقیقات بیشتری در مورد ریشه های این ارگان مورد نیاز است - آیا در ابتدا بصورت کمیته کارخانه خود جوشی بود که بر اساس مدل "شورا" در مبارزات عظیم سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۹ بوجود آمده بود، یا اینکه اساسا ایجاد بدنه دیگری نوعی اتحادیه بود؟ در هر صورت، ما می دانیم که برای چندین سال یا حتی بیشتر از سندیکای اتوبوس رانی وجود

داشته است، اکنون به نظر می‌رسد توهماتی در مورد خود-
مدیریتی گسترش میدهد." [۱۵]

اولا جریان کمونیست بین المللی پاسخ جزوه ای را میدهد که
ظاهرا یا آنرا نخوانده و یا در حالت خواب آلود آنرا خوانده و
تصویر درستی از حوادث در ذهن خود ندارد، چرا که در آن
چگونگی شکل گرفتن تشکلی که نام «شوراهای کارگری» را بخود
گرفته است، توضیح داده شده است.

ثانیا برخلاف وارونه سازیهای جریان کمونیست بین المللی در
همان جزوه تاکید کردیم اطلاق نام "شوراهای کارگری" به این
تشکل مستقل کارگری در تمایز با مفهوم مارکسیستی شوراهای
کارگری است و نوشتیم:

"تیر ماه ۱۳۹۷ کارگران نیشکر هفت تپه از طریق انتخابات
یک ارگان مستقل کارگری، یک تشکل مستقل کارگری
انتخاب کردند که علیرغم همه نکات قوت و ضعف خود یک
دستاورد بزرگی نه تنها برای شرکت هفت تپه بلکه برای کل
طبقه کارگر بود. اطلاق نام "شوراهای کارگری" به این
تشکل مستقل کارگری در تمایز با مفهوم مارکسیستی
شوراهای کارگری است که توضیحات آنرا دادیم." [۱۶]

ثالثا جریان کمونیست بین المللی در رابطه با تشکلی که نام
«شوراهای کارگری» را بخود گرفته می‌نویسد: "ما می‌دانیم که

برای چندین سال یا حتی بیشتر از سندیکای اتوبوس رانی وجود داشته است." سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در سال ۱۳۳۶ شکل گرفت یعنی حدود ۶۲ سال قبل. به عبارت بهتر و طبق اظهار نظر جریان کمونیست بین المللی این تشکل که نام «شوراهای کارگری» را بخود گرفته قبل از آن وجود داشت است یعنی قدمت آن بیشتر از ۶۲ سال است. جهت اطلاع جریان کمونیست بین المللی که حوصله خواندن جزوه را ندارد، باید گفت این تشکل در سال ۱۳۹۷ شکل گرفت و کل موجودیت آن تنها چند ماه طول کشید. مقایسه کنید ۶۲ سال را با چند ماه و نتیجه گیری سیاسی آنرا!

رابعا کارگران با شدت یابی مبارزه طبقاتی نه بسوی سندیکا و یا اتحادیه بلکه بسوی تشکلی عالی تر رفتند، هر چند با گنج سری بر تشکل خود نام "شوراهای کارگری" نهادند و یا وظایف دیگری برای خود قائل شدند. این نشان میدهد که کارگران هیچ توهمی به سندیکا یا اتحادیه ندارند. توقع اینکه کارگران در ابتدای مبارزه و در شرایط کنونی جهانی که دوره رکود مبارزه طبقاتی، دوره عقب نشینی از هویت طبقاتی است، یک درک مارکسیستی از شوراهای کارگری ارائه دهند، بیگانگی این تصور را با مبارزه زمینی کارگران نشان میدهد. ما به این مسئله مجددا برمیگردیم.

خامسا جریان کمونیست بین المللی میتواندست به جای بایکوت مبارزه طبقاتی در مبارزه طبقاتی دخالت کند و در حد توان خود به آن جهت و سو بدهد و از موضع مارکسیستی از مفهوم شوراهای کارگری دفاع کند. ما بارها تاکید کردیم محتوا و ماهیت شوراهای کارگری نه تنها توسط گرایشات چپ سرمایه، بلکه حتی توسط

کسانی که خودشان را به کمونیسم شورائی آویزان می سازند، از مفهوم مارکسیستی تهی شده است. چرا جریان کمونیست بین المللی در مقابل کسانی که میگویند حتی برای افزایش دستمزد نیز باید شورا ساخت به دفاع از مفهوم شورا‌های کارگری برنخاست؟

به موضوع برمیگردیم. رشد طبقه کارگر چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه ای خطی نیست و گرایش‌های متفاوتی را از خود بروز میدهد. بخصوص در دوره رکود مبارزه طبقاتی، در دوره عقب نشینی از هویت طبقاتی، گنج سربها و نظرات مغشوش در جریان مبارزه کاملاً طبیعی است. در چنین شرایطی خود مبارزات کارگری، تکامل و گسترش آنها مهم است و یا بقول جریان کمونیست بین المللی «رزمندگی طبقه یک نقطه شروع مهم و مثال برای کارگران در همه جا است». در جریان مبارزات و به عبارت بهتر در تکامل مبارزات کارگری است که شفافیت جایگزین گنج سربها و نظرات مغشوش می شود. در جریان مبارزات کارگری، مبارزینی برجسته می شوند، نقش پیشرو پیدا می کنند، نقش رهبر مبارزات کارگری پیدا می کنند. این نقش ها ازلی و ابدی نیستند، میتواند بسیار مقطعی و یا دراز مدت باشد. همین رهبران حتی میتواند در روند مبارزات به اهداف مبارزات کارگری خیانت کنند و در خدمت سرمایه قرار بگیرند، یکی از نمونه های واضح آن «لخ والسا» است. در چنین زمینه ای است بر خلاف سنت های بورژوائی، در سنت جنبش کارگری، نمایندگان هر لحظه قابل عزل شدن هستند.

یکی از کسانی که نقش رهبر کارگری را ایفا کرد اسماعیل بخشی بود. اسماعیل بخشی علیرغم گیج سرپها و ابهاماتش سعی کرد نقش رادیکال در جریان مبارزات کارگری ایفا کند. در مقابل دیگر نمایندگان کارگران که به جنبش کارگری خیانت کردند و در خدمت کارفرما و نیروهای امنیتی قرار گرفتند با تعدادی دیگر به دفاع از منافع کارگری پرداخت. بخشی توان مبارزات خود را پس میدهد، او پس از آزادی موقت بخاطر افشای شکنجه دوباره دستگیر شد و حالا همراه با دیگر فعالین کارگری در زندان است. قبلا دیدیم که جریان کمونیست بین المللی به تشکلی که بخشی و دیگر کارگران آنرا بنیان نهادند و به اشتباه "شوراهای کارگری" نام نهاده بودند، قدمت ۶۲ ساله قائل شدند. تشکلی که تنها چند ماه عمر کرد و سرکوب شد. جریان کمونیست بین المللی چنین می نویسد:

"مشکل اینجا این است که بخشی بدون شک به عنوان یک مبارز جسور از درون طبقه ظاهر شد و بطور خیلی وحشیانه به دست پلیس ایران و مزدورهای ارازل او باش آن سرکوب شد، در حال حاضر موضع گیری او به سردرگمی عمومی در مورد شوراهای کارگری که چه می باشند و آنچه که نیستند، کمک می کند، به ویژه با ارائه ایده ای مبنی بر اینکه شوراهای آینده می توانند، مرحله بعدی زندگی تشکیلات دائمی و اتحادیه کارگری باشند. برای مبارزه با این سردرگمی، نوع خاصی از شجاعت را می طلبد - شجاعتی که بر خلاف جریان حرکت می کند تا از مواضع

روشن پرولتاریایی دفاع کند، که در نهایت فقط به معنای پذیرش یک موضع سیاسی انقلابی است." [۱۷]

ما توضیحات بیشتری را در این زمینه در نقد گرایش کمونیست انترناسیونالیست [۱۸] در مبحث اتحادیه ها در مقابل طبقه کارگر ارائه داده ایم و از تکرار آن توضیحات در اینجا پرهیز می کنیم و خواننده را به مطالعه آن توصیه می کنیم.

مبارزه مستقل کارگری

مبارزه طبقاتی در سطح جهانی هر روز تدافعی تر میشود و این تنها در سایه عقب نشینی طبقه کارگر از هویت طبقاتی خود در سطح جهانی است. هر چقدر مبارزه طبقاتی تدافعی باشد به همان اندازه اشتباهات و سردرگمی ها بیشتر خواهد بود و تنها در روند مبارزه و در تکامل مبارزه است که شفافیت جای خود را جایگزین ابهامات خواهد کرد. وظیفه سازمانهای انقلابی و انترناسیونالیستها ضمن دخالت فعال در این مبارزات، ضمن برجسته کردن نکات مثبت آنها، تاکید به نکات ضعف چنین مبارزاتی و حتی هشدار در مورد خطراتی که چنین مبارزاتی را تهدید میکند، میباشد. ابتدا ببینیم جریان کمونیست بین المللی در این رابطه چه می گوید:

"کمیته های کارگری، کمیته های کارخانه و شوراهای کارگری، تمام تلاش ها را برای خود سازماندهی طبقه

کارگر انجام می دهند، اشتباهات، سوءبرداشت ها و... خواهند داشت و این کاملاً طبیعی است - حتی ضروری است. اما آنچه که ما در اینجا در مورد سندیکای کارگران اتوبوس رانی و شورای هفت تپه می بینیم - در بهترین حالت - سازمان های کارگری سابق هستند که هر دو برای سال های زیادی وجود داشته اند و در مواجهه با مبارزات کم کم محو می شوند، پویایی آنها از بین رفته است، تطبیق آنها با ساختار سرمایه داری تنها راهی است که بقای آنها را تداوم می بخشد." [۱۹]

ما قبلاً توضیح دادیم برخلاف تصور جریان کمونیست بین المللی شورای هفت تپه برای سالیان زیادی وجود نداشته و قدمت آن تنها چند ماه شد. در شرایطی که طبقه کارگر جهانی از هویت طبقاتی خود عقب نشینی میکند، در شرایطی که پوپولیسم در حال پیشروی است، در حالیکه مبارزه طبقاتی هر روز تدافعی تر میشود، در حالیکه ... شوراهای کارگری نمی توانند در دستور روز قرار بگیرند، نه در سطح جهانی و نه در سطح منطقه ای.

ما توهم نداشتیم و میدانستیم که کارگران نخواهند توانست به پیروزیهای اساسی دست یابند. ما حتی تصور نمی کنیم کارگران در مبارزات آتی پیروزیهای چشمگیری خواهند داشت، چرا که پیروزی اساسی تنها زمانی ممکن است که مرزهای ملی را درنوردد و به دیگر کشورها گسترش پیدا کند. اما برای رسیدن به چنین پیروزیهای بزرگ، چنین اهداف بزرگ، باید از جایی شروع

کرد. بارها و بارها باید شکست خورد و تجربه اندوخت تا هر بار با تجربه بیشتری از شکست قبلی، با اعتماد بنفَس بیشتری از شکست قبلی، از زمین بلند شد و دوباره به مبارزه ادامه داد. جز مبارزه راه دیگری وجود ندارد. کارگران علیرغم ابهامات و گیج سربها که کاملاً نیز طبیعی بود از هفت تپه شروع کردند و ۲۸ روز نبرد طبقاتی کردند، ۲۸ روز افتخار آفرینند. بردگان مزدی که جامعه را لرزاندند علیرغم اینکه تلاش شان را کردند شکست خوردند اما تجربیات گرانبها نه تنها برای خود بلکه برای کل طبقه کارگر به ارمغان آوردند.

ما همیشه اعلام کرده ایم «یا انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت». این به مفهوم این نیست که انقلاب کمونیستی در دستور روز قرار دارد بلکه به مفهوم این است که تنها انقلاب ممکن که نه تنها طبقه کارگر بلکه کل بشریت را از بربریت سرمایه داری رها سازد انقلاب کمونیستی است، در غیر اینصورت نابودی بشریت حتمی است. نابودی بشریت نیز حتماً توسط جنگ انجام نمی گیرد بلکه میتواند از طریق تداوم بربریت سرمایه داری نیز انجام گیرد. همین مسئله را میتوان به خواست شوراها و کارگری نیز تعمیم داد. باید در مبارزات جاری طبقه کارگر بر مبارزه مستقل کارگری تاکید کرد و بر ضرورت کمیته های کارخانه، کمیته های اعتصاب، مجامع عمومی و دیگر اشکال سازمان یابی تاکید کرد ولی علیرغم اینها باید به هدف اساسی یعنی شوراها و کارگری جهت گیری کرد. شوراها و کارگری اگر چه عالی ترین ارگان پرولتری هستند اما عملکرد آن همیشه در راستای اهداف پرولتری نبوده است. حتی

میتواند نقش ضد انقلابی نیز ایفا کند و مانع ورود رهبرانی چون لوکزامبورگ و لیبکنخت به جلسات آن شود. در اینجاست که نقش پیشقراول اهمیت تاریخی خود را پیدا می کند.

جریان کمونیست بین المللی تصمیم گرفت مبارزات خیابانی مردمی را تبلور مبارزه طبقاتی ارزیابی کند اما در مقابل، مبارزه طبقاتی کارگران را بایکوت کرد. متأسفانه جریان کمونیست بین المللی حتی برای اینکه چرا نتوانست نقش انتشاراتی انقلابی ایفا کند نتوانست معذورات جدی پیدا کند. ما در نوشته مان تحت عنوان «مباحثه ای با جریان کمونیست بین المللی: طبقه کارگر یا توده ها» تلاش کردیم تا نشان دهیم، جریان کمونیست بین المللی هویت اساسی و ویژگی مهم طبقه کارگر را از او میگیرد و طبقه کارگر را به توده ها تبدیل میکند. در مقابل ما بر قدرت طبقاتی کارگران تأکید کردیم، چرا که طبقه کارگر تنها با تکیه بر قدرت طبقاتی خود، بعنوان یک طبقه اجتماعی و تنها از زمین طبقاتی خود قادر است حملات بورژوازی را دفع نماید. طبقه کارگر تنها با تکیه بر هویت طبقاتی خود بعنوان یک طبقه اجتماعی قادر به انجام انقلاب کمونیستی است.

ما بارها اعلام کرده ایم در شرایط افست مبارزه طبقاتی خطر اساسی از جانب جناح راست سرمایه جامعه و مبارزات را تهدید میکند اما با رشد و تکامل مبارزه طبقاتی خطر اساسی از جانب چپ سرمایه مبارزات کارگری را تهدید خواهد کرد. جناح چپ سرمایه در شکست مبارزات تاریخی طبقه کارگر ایران طی سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۶ نقش اساسی ایفا کرد. جریان کمونیست بین المللی با

بایکوت مبارزات کارگری، عملاً نقش آفرینی را برای چپ سرمایه هموار میکند.

طبقه کارگر یک طبقه جهانی است و مبارزه طبقاتی نیز جهانی است. در عصر انحطاط سرمایه، برنامه، وظیفه و عملکرد سازمان انقلابی، جهانی است. هر برنامه و عملکرد دیگری ناسیونالیستی بیش نیست در لفازیه‌های رادیکال. طبقه کارگر و فضای سیاسی پرولتری نیازمند سازمان انقلابی است که نقش پیشقراول برای خود قائل است و برای طبقه کارگر بعنوان یک طبقه جهانی میرزمد. چنین سازمانی قطعاً نقش اساسی در تشکیل حزب کمونیست انترناسیونالیست و بین‌المللی ایفا خواهد کرد که بدون آن امکان انقلاب کمونیستی میسر نیست.

سوال اساسی که مطرح میشود این است آیا جریان کمونیست بین‌المللی چنین نقشی را ایفا خواهد کرد؟ همانطوری که قبلاً نیز تأکید کردیم جریان کمونیست بین‌المللی علیرغم ضعف‌هایش، ابهاماتش، نارسائی‌هایش و حتی اشتباهاتش نقش مهمی در فضای سیاسی پرولتری ایفا کرده است. اما متأسفانه جریان کمونیست بین‌المللی در دهه اخیر بخاطر همین ابهاماتش، بخصوص در زمینه سازمانی ضعیفتر شده است و اگر به این شکل ادامه بدهد ضعیفتر و ضعیفتر خواهد شد و قادر نخواهد بود نقش یکی از قطب‌های فضای سیاسی را ایفا کند.

پیشروی جریان کمونیست بین‌المللی و ایفای نقش پیشقراول در مبارزات طبقاتی پیش‌رو نیازمند سازمان انقلابی است که نه تنها به وظایف خود بخوبی آگاه است بلکه قادر به ایفای چنین نقشی نیز

هست. آیا جریان کمونیست بین المللی چنین نقشی ایفا خواهد کرد؟
امید و آرزوی ما این است که جریان کمونیست بین المللی قادر به
ایفای چنین نقشی باشد.

م جهانگیری
۱ شهریور ۱۳۹۸

یادداشتها:

اطلاعات لازم برای تماس با جریان کمونیست بین المللی بقرار زیر است:

- سایت: www.internationalism.org
- ایمیل: international@internationalism.org

[۱] [https://en.internationalism.org/content/16684/response-](https://en.internationalism.org/content/16684/response-internationalist-voice-strikes-iran)

[internationalist-voice-strikes-iran](#)

[۲] منبع بالا

[۳] صدای انترناسیونالیستی و اعتراضات در خاورمیانه از جریان

کمونیست بین المللی

[۴] منبع ۱

[۵] منبع ۱

[۶] منبع ۱

[۷] منبع ۱

[۸] جزوه «درسهائی از اعتصابات و مبارزات کارگری و وظایف

انترناسیونالیستی»

[۹] منبع بالا

[۱۰] منبع ۸

[۱۱] منبع ۸

[۱۲] منبع ۸

[۱۳] منبع ۸

[۱۴] مباحثه ای با گرایش کمونیست انترناسیونالیست: ابهام در انجام

وظایف انترناسیونالیستی

[١٥] منبع ١

[١٦] منبع ٨

[١٧] منبع ١

[١٨] منبع ١٤

[١٩] منبع ١

خطوط اصلی مواضع:

۱. جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه داری بعنوان یک نظام اجتماعی وارد دوره انحطاط شده است. تنها دو آلترناتیو برای این سیستم وجود دارد: یا انقلاب کمونیستی یا نابودی بشریت.

۲. در عصر ما، طبقه کارگر تنها طبقه انقلابی است و تنها این طبقه اجتماعی است که میتواند انقلاب کمونیستی را انجام دهد و به بربریت سرمایه داری پایان دهد.

۳. بعد از آنکه سرمایه داری وارد دوران انحطاط خود شد، اتحادیه های کارگری در سراسر جهان تبدیل به ارگانه های نظام سرمایه داری شدند. وظیفه اصلی اتحادیه ها کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است.

۴. در عصر انحطاط و گندیدگی سرمایه، شرکت در نمایشات انتخاباتی و سیرک پارلمان تنها در جهت تقویت توهمات دمکراسی است. سرمایه داری دمکراسی و سرمایه داری دیکتاتوری دو روی همان سکه هستند، بربریت سرمایه داری.

۵. تمامی جنبشهای ملی ضد انقلابی، بر علیه طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی هستند. جنگ آزادیبخش ملی یک نیروی پیاده در اختلافات امپریالیستی است.

۶. علت شکست انقلاب اکتبر، شکست موج انقلاب جهانی، مخصوصاً شکست انقلاب آلمان که منتهی به انزوای انقلاب اکتبر و سپس منجر به انحطاط آن شد.

۷. تمامی احزاب چپ ارتجاعی هستند، استالینیستها، مائوئیستها، تروتسکیستها و آنارشپیستها رسمی و غیره دستگاه سیاسی سرمایه را نمایندگی می کنند.

۸. کلیه دولتهای به اصطلاح "سوسیالیست" یا "کمونیست" که در شوروی، اروپای شرقی، چین، کوبا و غیره بر سر کار آمدند تجلی شکل ویژه از بربریت سرمایه داری بوده و هستند، سرمایه داری دولتی.

۹. سازمان انقلابی پیشقراول پرولتاریا را تشکیل میدهد و یک فاکتور فعال در تکامل و تعمیم آگاهی طبقاتی است. سازمانهای انقلابی تنها میتوانند شکل اقلیت انقلابی به خود بگیرند که وظیفه شان نه سازماندهی طبقه کارگر یا کسب قدرت بجای طبقه کارگر، بلکه رهبری سیاسی – یک قطب نمای سیاسی است، بطوریکه شفافیت سیاسی سازمان انقلابی و نفوذ آن در طبقه کارگر از عناصر اصلی برای انقلاب کمونیستی هستند.

تعلق سیاسی:

مواضع، نظرات و فعالیت گرایشات سیاسی پرولتری، محصولی از تجربیات گذشته طبقه کارگر و درسهایی که سازمانهای سیاسی طبقه کارگر در طول تاریخ این طبقه کسب کرده اند. لذا صدای انترناسیونالیستی ریشه های خود را در اتحادیه کمونیستها، انترناسیونال اول، جناح چپ انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم، مخصوصاً جناح چپ انترناسیونال سوم و فراکسیونهایی که در مقابل انحطاط انترناسیونال سوم وظیفه سترگ دفاع از مواضع پرولتری و کمونیستی را بر عهده گرفتند، فراکسیونهای هلندی – آلمانی و بویژه فراکسیون چپ کمونیست ایتالیا میداند و از سنن چپ کمونیست دفاع می کند.